

سیاست

☆ حماسه پرافتخار زندگی يك انقلابی

☆ جامعه ایران و روشنفکران

☆ "موج" شعری از مرضیه اسکوتی

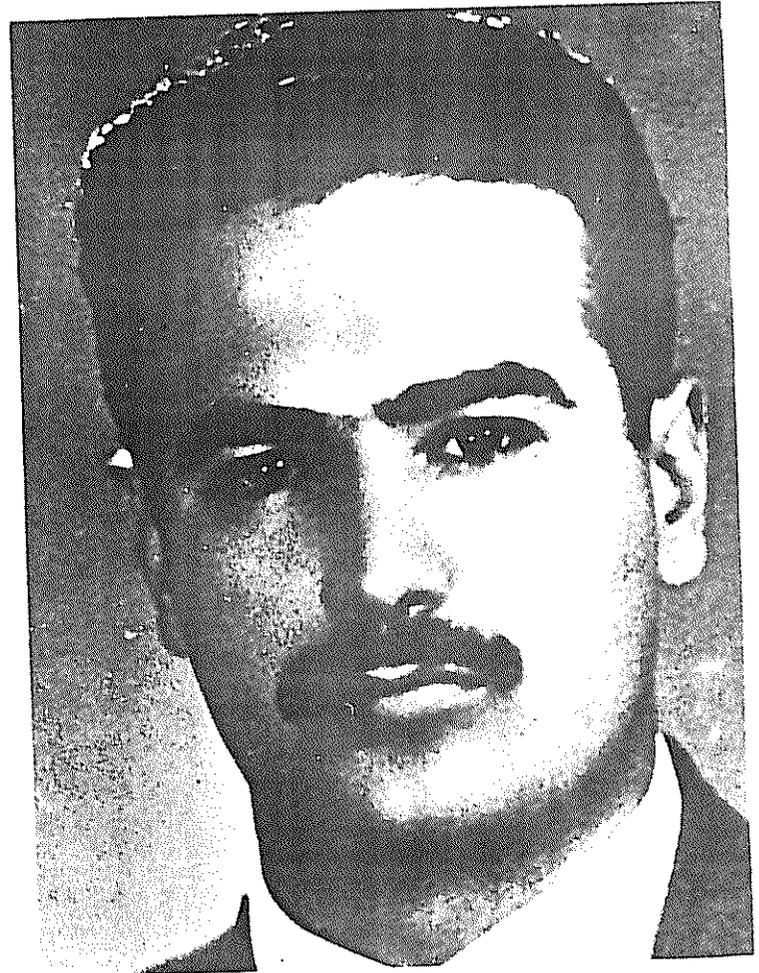
☆ مضحکه "رستاخیز" سلطنتی

☆ اخبار و رویدادها

☆ گفتگوی با اشغال کنندگان سفارت شاه در لندن

تیرماه ۱۳۵۴

ارگان انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا
(کنفدراسیون جهانی)



انقلابی شهید "بیژن جزینی"

* در این شماره :

بنام خلق ۱-۲

حماسه پر افتخار زندگی يك انقلابی ۳-۶

جامعه ایران و وظایف روشنفکران ۷-۱۸

"موج" شعری از مرضیه اسکویی ۱۹-۲۰

مضحکه "رستاخیز" سلطنتی ۲۱-۲۹

اخبار و رویدادها ۳۰-۳۷

گفتگویی با اشغال کنندگان سفارت شاه در لندن ۳۸-۴۴

آدرس پستی : 101 - 103 Basement Gower St .

London W.C.1

33052605

شماره حساب بانکی :

آدرس بانکی : Midland Bank 138 Tottenham Court Rd.

میتواند در اصلاح و تکامل کار ما / نقشی بسیار موثر داشته باشد .
بامید آنکه باللهام از جنبش انقلابی ایران و با همکاری و همراهی همه رفقای مبارز /

به ارائه کاری درخور / توفیق یابیم .

با توجه به اینکه این جنبش مبارزانه در ایران در حال گسترش است و در سراسر کشور فعالیتهای خود را در پی دارد و با توجه به اینکه این جنبش مبارزانه در ایران در حال گسترش است و در سراسر کشور فعالیتهای خود را در پی دارد و با توجه به اینکه این جنبش مبارزانه در ایران در حال گسترش است و در سراسر کشور فعالیتهای خود را در پی دارد

* * *
بسیار دوستداران ما

در این مبارزه

با شما

همراهی

میکردم

و امیدوارم

در این مبارزه

حماسه زندگی يك انقلابی
(بیژن جزنی)

بیژن جزنی را کمتر کسی است که شناسد . او از چهره های است که در

۱۵ سال اخیر در محیط سیاسی ایران د اخش خاصی داشته اند . هر چند موفقیت او در صحنه مبارزات دانشگاهی و دمکراتیک از سالهای ۳۹ به اینطرف آغاز میشود اما فعالیتهای سیاسی بیژن به سالها قبل از آن / به سالهای مسی شدن نفت و حتی سالها قبل از آن میرسند .

جزنی در سالهای ۳۹ تا ۴۵ یکی از رهبران جنبش دانشجویی و از

هدایت کنندگان این جنبش بسوی سیاست و مشی رزمنده و قاطع / و مبارزی

بی گیر علیه خطوط اپورتونیستی درون جنبش این سالها بود . او نه تنها

سازماندهی ورزیده و مبتکر بود بلکه بعنوان مبارزی جسور در صحنه تظاهرات

خیابانی عرض اندام میکرد . در مقابله با پلیس مسلح و مامورین ساواک /

قهرمانانه جدال میکرد و درگیریهای بی باکانه او با پلیس برانگیزاننده ششور

مبارزه جوئی در سایر دانشجویان میشد .

در این سالها جزنی بارها به زندان افتاد و وجود او در بین دانشجویان

زندانی پیوسته منبع نیرو و انرژی برای سایرین بود . برخورد او با بازجویان

ساواک در تمام مدت بازجوئی پرخاش جویانه و خشن بود . کمتر بازجوئی

جرئت میکرد از او بازجوئی کند و ناچارست آخر این خود " سرهنگ مولسوی

رئیس ساواک تهران " بود که این وظیفه مشکل را به عهده میگرفت .

در سال ۴۴ همراه با اعضای کمیته دانشگاه تهران بعلت فعالیتهای دانشجویی

برای پنجمین بار بازداشت شد و پس از محاکمه به ۹ ماه زندان محکوم گردید .

جزنی و رفقای از اولین کسانی بودند که با بررسی دقیق اوضاع سیاسی و

اجتماعی ایران و تحولات جهانی به مبارزه مسلحانه در ایران روی آوردند و

و سازمان سیاسی - نظامی را بعنوان آخرین دست آورد جنبش انقلابی جهت رهبری مبارزات خلاق دانسته و در جهت تشکیل چنین سازمانی کوشش نمودند. جزئی و رفقایش در تدارک شروع یک چنین مبارزه ای بودند که در زمستان سال ۱۳۴۶ توسط پلیس دستگیر گردیدند. در نامه ای که از ایران به کنفرانس بین جهانی رسیده درباره حادثه دستگیری و خصوصیات مبارزاتی و انقلابی بیژن جزئی چنین آمده است :

" زمستان سال ۱۳۴۶ بود که یکبار در تهران خیر بیژن جزئی را با تعدادی دیگر دستگیر کرده و همه را به اوین برده اند. بیژن آدم ناشناخته ای نبود. او که اکنون دوره دکترای فلسفه را میگذراند آدمی بود که از سال دوم دبیرستان یعنی از زمانی که جوانی سیزده / چهارده ساله بود تا امروز که در سن ۳۵ سالگی قرار داشت بطور مداوم و یا به گفته خودش ((يك خط بر میان)) عمر خود را در زندان گذرانده بود. شش ماه / یازده ماه / یکسال / دو سال / مرتب زندان کشیده بود / مدام مبارزه کرده بود / به زندان افتاده بود / شکنجه شده بود و مقاومت کرده بود. او بنظر جنبش سالهای بیستوبود و حال خود بنظر جنبش سالهای پانجاه را می پاشید. جزئی و یارانش دستگیر و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داده شدند. به اعتراف زندان بانان / شکنجه هائی که به این قهرمانان داده شد از شکنجه های بعد از بیست و هشت مرداد به اینطرف نظیر نداشت. داوران گروه جزئی را در سلولهای انفرادی

اوین بارها تا سرحد مرگ شکنجه کردند اما سویی نبردند و بالاخره در این پیکار / این شکنجه گران بودند که به زانو در آمدند نه رفقای ما گروه جزئی زندان را دگرگون کردند / طولی نکشید که زندانیان همه متشکل شدند. از داد و ستد اخبار / روزنامه لئوکتب (که همه غیر قانونی بود) تا اعتصاب غذا که طی مدتی کوتاه ۳ بار انجام شد و هر بار با پیروزی به اتمام رسید و تا برگزاری جشن اول ماه مه در زندان همه با تشکیلی عالی تحت رهبری بیژن صورت می گرفت. بیژن روح تشکل بود. بیژن تشکیلاتچی کیمیا شناس بود. شهید قهرمان طبقه کارگر هوشنگ ترگل در آن زمان با رفیق کارگوش بهرام طاهرزاده در زندان بودند و بیژن بیش از همه باین دو کارگر توجه داشت. برای بیژن زندان میدان نبردی تازه بود. او یک رهبر قادر و مجرب بود. بیژن سخنگوی تمامی زندانیان سیاسی از هر قشر و طبقه و با هر ایدئولوژی بود. بیژن پیشروی آگاه و هدایت کننده بود. بیژن سمبل مقاومت و ایستادگی در زیر شکنجه / بیژن یک سرمشق عالی بود. بیژن ستون زندان بود و دیگر یارانش هر یک بیژنی بودند مقاومت کسوه ماندنی که جزئی قهرمان هر بار زیر شکنجه های طاقت فرسا نشان می داد پشتگاه استواری بود برای سایر زندانیان. جزئی و تمام یارانش با مقاومت حماسی خود پایه ای را گذاشتند که بعد ها داورانی چون احمد زاده ها / دهقانیهها /

بدیع زادگان ها / سپهری ها / و دیگر رفقای شهید ما آنچه را
میدانید پایه ساختند . جزئی و یارانش براسنی پایه گذار و
پرچم دار بودند .

بیزن جزئی در تمام طول هفت سال و اندی که در زندان بود پیوسته تحت
شکجه های رژیم بود و با مقاومت دلورانه همه جا سمسول شکستنا پذیری
بشمار میرفت .

آخرین بار در اواسط اسفند ماه بود که بیزن را همراه سایر رفقا
انقلابیش به شکجه گاه و یا به تعبیری دیگر به سفر مرگ بردند . این بار
فاشیسم خونخوار رستاخیز / آنان را از نو به شکجه گاه کشید .
دستور شاه جنایتکار صریح و قطعی بود . یا تسلیم یا مرگ . و بیزن
که حتی لفظ " تسلیم " برگوشه اش سنگینی میکرد / در این پیکار آخرین
مرگ شرافت مندانه را بر تنگ تسلیم و زبونی ترجیح داد و آنرا به خاطر
خلقش / بخاطر طبقه کارگر با آغوش باز استقبال کرد .

افتخار بر او باد

بگوئیم با صمیمیت ادامه دهنده راه پر افتخارش باشیم .

اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و وظائف روشنفکران

جامعه ایران نیز مانند تمام جوامع بشری در جریان سیر تکاملی خود از مرحله
پست تر به مرحله عالی تر ارتقاء یافته است . در ایران باستان سازمان اجتماعی را
سازمانی عشیرتی تشکیل میداد . موضوع تولید عبارت بود از پرورش دامها و گشت .
استفاده از کار بردگان و اسیران جنگی در کارهای ساختمانی معمول بود . پیشه وری
و تجارت نیز از همان سده هشتم پیش از میلاد رواج داشت .

طبقات اجتماعی را اعیان / روحانیون / کاهنان و توانگران در بخش فئودالی
حاکم - جامعه که پایگاه قدرت شاه نیز بودند و پیشه وران / بازرگانان و روستایان
در پائین و محکوم قرار داشتند که سنگینی بار تمام مخارج شراجها و مالیاتها را
تحمل میکردند .

فقود الیسم خاص ایران که از قرن سوم میلادی روی بر شد نهاد بود در قرن پنجم
در زمان سلطنت ساسانیان / بصورت سیستمی کامل درآمد . موضوع تولید همان
کشاورزی / دامداری و پیشه وری بود لیکن شیوه مناسبات تولید تغییر نمود . اقطاع
بزرگ زمین متعلق به طبقات فوقان اجتماع / بین واسالهایشان (مباشرین) و واسا
واسالهای کوچکتر برای اداره تولید / تقسیم میشد که اینان یا خودشان درآمد تولید
نظارت میکردند یا اینکه بدعقنان برای کشت اجاره میدادند .

دولت / خود صاحب بخش بزرگی از زمینها و نیز مالک تمام آب قابل استفاده
کشور و مجاری آبی بود و درآمد تولید نیز دولت میکرد .

استثمار فقود الی در ایران بسه صورت انجام میگرفت :

- ۱- بیگاری
 - ۲- مالیاتهای جنسی یا خراک
 - ۳- مالیاتهای نقدی یا دراج
- طبقات اجتماعی فوقانی - حاکم - شامل :
- * موبدان
 - * لشکریان
 - * دبیران (اداریان) و * آزادگان بودند
- طبقات پائین و تحت ستم شامل : - روستایان - پیشه وران
- سوداگران - میگردیدند . در مراکز اقطاع فقود الی / شهرها وجود داشتند

که مرکز مبادلات ساده / اکثراً جنسی / با روستاهای اطراف و نیز مرکز پیشه وری - بشمار میرفت . این مناسبات با تغییرات تدریجی و کند / بیش هزار سال در ایران دوام یافت . در زمان صفویه تجارت و صنعت / بخش سرمایه داری تولید / با سرعت بیشتری رشد میکرد و با اهمیت شهرها افزوده میشد . رشد روزافزون کالائی / محدودیت تولید و توزیع و مناسبات فئودالی حاکم را متزلزل میکرد و پیروسه تدریجی و اصطکاک بین دو شیوه تولید سرمایه داری و فئودالی رشد مینمود .

در اواخر سلسله قاجار این اصطکاک خالت اشکاری بخود گرفت . نفوذ استعمار / توسعه روابط پولی و تجاری در ایران / از یک طرف و اداسیات کالائی را توسعه میداد و از طرف دیگر اصطکاک بین دو بخش را تشدید مینمود . حاکمیت فئودالی و اقتصاد محدود آن / بازده تولید را بسیار ناچیز کرده بود و مانع رشد بورژوازی و دخالت آن در اداره امور میشد . لذا تضاد دو بخش تولیدی فئودالی - سرمایه داری کسبه خاصه ایران را شکل نیمه فئودالی - نیمه سرمایه داری داده بود - منجر به بره آوردن - آشکار گردید .

دولت استبدادی با امتیازاتی که در انحصار تنباکو و گمرکات و غیره با استعمارگران واگذار کرده بود بورژوازی را تحت فشار قرار میداد و استبداد علیل از لحاظ مالی بی بنیه / خود را در دست نفوذ استعمار (به علت قرضه هایی که از آن میگرفت) قرار داده بود . لذا برای رشد تولید و توزیع سرمایه داری / لازم بود که علیه استبداد فئودالی شاه / علیه محدودیتهای فئودالی اقتصاد و علیه نفوذ استعمار مبارزه میشد و بورژوازی وارد چنین مبارزه ای گردید . انقلاب مشروطیت شروع شد / بورژوازی طالب قانون اساسی بود و شرکت در حکومت . لیکن ضعف این بورژوازی (قدرت بیشتر به بخش تجاری و ضعف بخش صنعتی) - عدم وجود نیروی وسیع کارگری / ضعف در بسیط دهقانان و در زمین زمینه نقش منفی عمائیر که زیر نفوذ سران ارتجاعی خود قرار داشتند / دولت نگران استعمارگران انگلیسی و ضعف رهبری بورژوائی جنبش "مجموعاً" موجب شکست انقلاب گردید . و دتای خائنانه و نرمانشی هزارود ویست و نود و نه بوسیله رضا خان میرنج با شتیانی استعمارگران انگلیسی / انقلاب را مهار کرد و ثمرات آنرا در دست استعمار قرار داد . قدرت استبدادی رضاشاه حافظ منافع فئودالیها / استعمارگران و بورژوازی وابسته گردید .

جامعه بتدریج بسود مناسبات سرمایه داری تغییر میکرد لیکن مناسبات فئودالی

نیز همچنان حریصت میشد . نیاز بحل ریشه ای مسئله ارضی و برجیدن روابط فئودالی روز بروز بیشتر تشدید مییافت . لیکن استعمار انگلیس و حکومت رضا شاه که سر بفرمان آنان داشت مزاجمین عمده این تحول بودند و آنرا مانع میشدند .

با سرنگی حکومت رضا شاه و اوج مبارزات دمکراتیک / انتظار میرفت که نیروهای خلقی چنین برنامه ای را در دستور سیاسی خود قرار دهند ولی بجز اصلاحاتی در - خطه آذربایجان در دوره حاکمیت یکساله رتبه دمکراتیک آذربایجان / در جای دیگری - اصلاحات انجام نگرفت . قیام آذربایجان نیز با حمله وحشیانه ارتجاع سقوط کرد و - مناسبات کهنه قبلی دوباره مستقر گردید و زمینها دوباره بمالکین و فئودالیهای فزاره بازگردانیده شد . بالاخره پس از دوران طولانی تاخیر و کارشکنی از طرف رژیمهای نیمه فئودالی رضاشاه و پسرش و علاء رفیق میل شاه و مخالفت اساسی او / بالاخره رفیق ارضی بطور کامل " ناقص و در اکثر موارد بزبان دهقانان و بسود بورژوازی وابسته (پس از ۶۰ سال تاخیر) انجام یافت .

فئودالیها با فرورش زمینهایشان بسرمایه آزاری در رشته های دیگر پرداختن - و یا بامکانیزه کردن زمینهای بزرگ بتولید سرمایه داری در کشاورزی اقدام نمودند . بدینسان اکنون بجز بقایایی از تولید فئودالی در بعضی از بخشهای خرده مالکی - فئودالیسم در اساس از بین رفته است .

بطوریکه از تحلیل " سازمان چریکهای فدائی خلق " برمیآید اجرای قوانین با اصطلاح " انقلاب سفید " دگرگونی هائی اساسی در شهر و روستای ایران بشکل زیر / بوجود آورده است :

در روستا اساساً روابط تولید فئودالی را از بین برد و در شهرها بر ساخت اقتصادی و اجتماعی تاثیر بسیار گذاشت . (در باره اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن - تحقیقات روستائی سازمان چریکهای فدائی خلق) .

در نتیجه اصلاحات ارضی ۴۰٪ از خانوارهای دهقانی برای همیشه بدون زمین ماندند . این نیروی کارگری کشاورزی / اجباراً باکسید در شهرها بخشی از کارگران صنایع را تشکیل داد و از سوئی دیگر در جامعه ای با رشد ضعیف صنایع و افزایش شدت بیکاری / بخشی از بیکاران و ولگردان دوره گرد را شامل گشت . در نتیجه همین - با اصطلاح " اصلاحات " / خرده مالکی بوجود آمد که در مرکز آن دهقانان کم زمین قرار دارد . شیوه تولید / اکثراً تولید خانوادگی با آلات ساده و سرمایه آزاری -

در حدی ناچیز و شیوه مبادله در همه جا کالایی شده است. فاصله قدیمی شهر رده - بتدریج در همه نواحی برداشته میشود و مناسبات پولی بوجه جا مسلط میگردد. تفاوت قیمتها در شهر و رستا از بین میروند. اقتصاد بوجهت سرمایه داری و البته بصورت - یکپارچه / تمام کشور را بهم وصل میکند. در شرایطی که سرمایه داری تسلط میآید و آرایش جدیدی از طبقات و خصائل آنان بوجود میآید لازم است عمده ترین خصیصات موجود در جامعه مورد بررسی قرار گیرد.

آرایش طبقاتی در ایران امسروزه
طبقات اجتماعی عمومی جامعه را / در بخش حاکم / بورژوازی وابسته / تشکیل میدهند و در بخش تحت ستم و مورد تجارت / کارگران / دهقانان / بورژوازی کوچک و بورژوازی میزنده متوسط قرار میگیرند. ما اکنون خصوصیات این طبقات را جداگانه بررسی مینماییم: **بورژوازی وابسته** - این قشر از بورژوازی خود تشکلیاتی بقرار زیر دارد:

بورژوازی صنعتی - بورژوازی مالی - بورژوازی تجاری - بورژوازی خدماتی - کشاورزی و بورژوازی بزرگرتیک که گاه نیز رقم تفاوت در شیوه های بکار انداختن سرمایه ما تماما با امپریالیستها وابسته اند و امیارات مستعقلی دارند و برنامه ریزی تولیدی - بازاریابی و سرمایه گزاری از خود ندارند. گاهی تنها در یک بخش متمرکز و گاهی در بخشهای بیشتری سرمایه گزاری میکنند. مثلا شاه بقره بزرگترین بورژوازی وابسته / سرمایه اش را در تمامی رشته های گفته شده بکار انداخته است. بورژوازی وابسته / ریشه اش را از بورژوازی تجاری ایران میگیرد که با نفوذ استعمارگران روس و بویژه استعمارگران انگلیس بدلال آلاهای آنان تبدیل شد و پس از شکست انقلاب مشروطیت بخشهای دیگری از بورژوازی ملی نیز جذب سرمایه های تجاری شدند. تخمین برآورد میشود که پیش از شکست جنبش استعماری ملی کردن نفت / بوسیله کودتای ۲۸ مرداد ۲۴۴۰ تشدید یافت.

وابستگی این بورژوازی با اقتصاد جهانی امپریالیستی و مشارکت با آنان / هرگونه خصائص ملی را چه در زمینه سیاست داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی / از آن سلب کرده است و این بورژوازی را به آلت دست امپریالیستها تبدیل نموده است. تنها بزمایه این خصلت وابستگی بی چون و چرای طبقه بورژوازی کمبراند و رژیم منتهج آنست که

میتوان تمام عمل کرد رژیم را رد کرد و دانست که خیانت طبقه بورژوازی وابسته در - بتاراج دادن تمام منابع طبیعی و نیروی کار خلق / واگذاری میلیاردها دلار بفضولان کمک به بودجه کشورهای امپریالیستی / خرید مبالغ غول آسای اسلحه از آمریکا و به عهده گرفتن رل ژاندارم قلدر منطقه و توطئه بعلیه کشورهای همجوار و نهضت های آزاییخش / هیچ کدام غیرعادی و تصادفی نیست بلکه تماما از همان خصلت وابستگی و سرسپردگی خائنه این بورژوازی برمیخیزد و اینست جوهر واقعی رژیم دیکتاتورمنش و خائن شاه .

هدف سرمایه گزاریها / چه داخلی و خارجی / کنترل تمام بازار و اقتصاد ایران بازار منطقه و ایجاد پایگاه اقتصادی - نظامی برای نفوذ بکشورهای سوسیالیستی - تماما در خدمت امپریالیستها میباشد .

خرده بورژوازی در نتیجه بوانح امپریالیستی برضد رشد اقتصاد ایران و جلوگیری از رشد سرمایه های کوچک داخلی سرمایه های بزرگ مستقل / سرمایه های کوچک در بخشهای کشاورزی - تجاری و پیشه وری امکان رشد نیافتند و ناچار با اتکاء به نیروی فیزیکی انسان و استعمال معدود ماشین / فلج میمانند .

خرده بورژوازی زیر فشار شدید بورژوازی بزرگ در حال ورشکستگی و ستزاید است و سرانجام به پرولتاریا پایینی این بورژوازی کوچک در حال ورشکستگی و ستزاید است و سرانجام به پرولتاریا میپیوندند . ولی بخش بالایی و مرفه آن رشد میکنند و در هیئت بورژوازی متوسط / در آخرین شانس و فرصت رشد مستقلش / مجبور است که یا زائده ای از بورژوازی بزرگ شود و بان زمینه گردد و در خدمت امپریالیستها درآید و یا اینکه در زیر ضربات تبعیض فاحش و موانع رشد / خرد شده و از بین برود .

خرده بورژوازی ایران / قشری بسیار قدیمی است و همیشه عمای رشد سرمایه داری وجود داشته است و اکنون نیز وسیعترین قشر اجتماعی جامعه را تشکیل میدهد . از لحاظ سیاسی نیز همیشه و بویژه در تاریخ معاصر ایران سهم وسیعی در مبارزات علیه استبداد و بی عدالتی و اجحافات طبقات حاکم / در تمامی اول تاریخ ایران ایفاء کرده است و منش قیامهای متعدد علیه سیادت اشراف / مغولها و استعمارگران کهنه و نو بوده است . تیام مزدک و ساز او جنبشهای آزادیخواهی بایک خرد بین

— ابومسلم خراسانی و در هیا قیام دیگر و در تاریخ معاصر / قیام ...
 مشروطیت اساساً بر پایه توانائی این قشر بوجود آمد . در تمام جنبشهای آزا دیخواهی
 س از مشروطیت علیه دیکتاتوری رضا خان و رژیم خائن محمد رضا شاه / این قشر ...
 بورژوازی کوچک — مخصوصاً در مبارزات ملی کردن نفت — سهم وسیعی و نقش ...
 اهمیتی ایفاء کرده است .
 در شرایط کنونی نیز / بعلت توسعه سرمایه های کوچک در اقتصاد و نقش آنها
 بورژوازی کوچک رل برجسته ای در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه دارد . با همه این
 احوال / بورژوازی کوچک دارای نقاط ضعفی است نه از شرایط متغیر و ناپایداری و محدود
 تولید خردمپائی آن برمیخیزد و سبب تنگ نظری های قشری و عدم یا فشاری در مبارزه /
 تردید و نزل در شرایط بحرانی / عدم ادامه کاری / عدم اتکاء بخود غیر اصولی
 بودن و عدم توانائی اش در رهبری مبارزات بفرنج میگردد بویژه در عصری که مبارزه —
 بسیار حاد علیه ستم و عارت رژیم وابسته با امریالیسم / با مقابله ارتجاع و ازبایان —
 آن مواجه میشود . بورژوازی کوچک فقط میتواند یا زیر پرچم بورژوازی بزرگ قرار گیرد
 و یا بدنبال پرولتاریا سهمی در مبارزات تاریخی ایفاء نماید .

در گذشته بعلت عدم وجود رهبری واقعی / صادق و شویار کارگری (بخصوص
 در سالهای ۲۰ تا ۴۹) تمام کوششهای بورژوازی کوچک زیر پرچم بورژوازی متوسط
 که رهبری مبارزات لیبرالی و ملی را بعهده داشت انجام گرفت و در اثر نزلتی گذشته
 بورژوازی ملی در تعقیب يك مبارزه بی گیر انقلابی نشان داد / این کوششها نیز
 بهدر رفت . در زمان حاضر با مبارزاتی که از سالهای ۱۳۴۹ به بعد / عصر جنبش
 نوین انقلابی ایران را مشخص میکند / زمینه امیدوار کننده ای بوجود آمده است پیشرو
 انقلابی بتواند با جلب نیروی توده های کارگری بمبارزه / این بار بزغلاف گذشته /
 خرده بورژوازی را زیر پرچم انقلاب راستین طبقه کارگر بسیج کرده و بحرکت در آورد و با
 کمک این نیروی عظیم و اتحاد آن با پرولتاریا / مسائل انقلاب د مکرراتیک را حل نماید .
 خرده بورژوازی که طی سالیان دراز / از رهبریهای نادرست زبان فراوانی دیده است
 اکنون در جو سیاسی جدید کم کم بخود میآید / نقش خود را میشناسد و در مبارزه علیه
 رژیم دیکتاتوری و امپریالیستی شاه و اربابانش شرکت میکند .

بورژوازی متوسط — قشر بورژوازی متوسط نتیجه رشد قشر صوفیه

بورژوازی کوچک و در رابطه مستقیم با بورژوازی وابسته بزرگ قرار میگیرد . بعلت صف
 وابستگی رژیم هر بورژوازی متوسط در رابطه با آن / امکان رشد مستقل نمیآید و خیلی سی
 زود در زیر منگنه فشار / به بورژوازی وابسته جذب و خمیمه شده و بخشی از سرمایه های
 آنها تشکیل میدهد لذا وقتیکه بورژوازی متوسط در شرایط کنونی میشود باید
 آنها بصورت جریانهای بسیار ناپایدار و در حال گذار از بورژوازی کوچک به بورژوازی وابسته
 بزرگ / تصور کرد . این قشر متوسط بهیچ وجه امکان زیست مستقل ندارد . یا باید
 مضمحل شده از بین برود و یا بایستی از سوئی جذب شود لذا جذب و تسلیم / روال
 عادی زیست این قشر از بورژوازی گردیده است .

بورژوازی متوسط برای مدتهای اولانی / رهبری بورژوازی کوچک و تا حدودی —
 زحمتکشان ایران را در مبارزات ضد دیکتاتوری — ضد امپریالیستی در اختیار داشت
 ولی بعلت دارا بودن خصلت ضد کارگری و ترس از رشد مستقل مبارزات کارگران در جهت
 ایفای آزادی کاماشان (که در انقلاب سوسیالیستی اکثیر نمونه آنها در مرزهای شمالی
 کشورش تجربه کرده بود) و نیز بعلت ضعف شدید اقتصادیش / توانائی و شایستگی
 رهبری صحیح مبارزه حیاتی زحمتکشان را نه با دیکتاتوری و نه با امپریالیسم / نداشت
 لذا هر بار که عملاً ای بیدان گذاشت و نقش رهبری را در مبارزه بعهده گرفت درست
 در لحظات خطیر / حیاتی و تعیین کننده / مبارزه را ادامه نداد و تسلیم شد . با —
 توجه باینکه در شرایط تسلط کامل بورژوازی وابسته در اوضاع کنونی ایران و تسلط —
 امپریالیسم و سرمایه های بزرگ / دیگر امکان رهبری از قشر بورژوازی متوسط کاملاً از بین
 رفته است حتی نقش رسی و احتمالی تاریخی خود را نیز بطور کامل از دست داده —
 است بنابراین در شرایط کنونی شدید سلطه فاشیستی ارتجاع و نفوذ وسیع امپریالیسم
 بورژوازی متوسط بوابستگی گردن گذاشته است و در شرایط اوج مبارزات نیز — حتی در —
 بهترین شکل خود — این قشر ممکن است نق نق زنان بدنبال انقلاب بگم بردارد .

کارگران و نقش اجتماعی
 و تاریخی آنان

سرمایه داری وابسته علیه رقم میل باطنی خود
 خواه و ناخواه / موجب گسترش بیشتر از پیش
 طبقه کارگر — در تمام رشته ها بویژه در —
 رشته های بزرگ تولیدی / از جمله

صنایع نفت - ذوب آهن - معادن - مونساز - پتروشیمی - اخذیه سازی و
 شده است با تخصیصی که از تعداد روپا افزایش کارگران ایران در حال حاضر میشود تعداد آنها بالغ بر (۱۷۰۰۰۰۰) میگردد و این نیروی عظیم همان گنجینه بزرگ و نیروی -
 سترگ انقلاب ایران و ستون فقرات نیروهای خلقی است باید توجه داشت که رقم ذکر شده تنها تعداد کارگران صنعتی را نشان میدهد و بایستی باین تعداد / تمام کارگرانی را که در کشاورزی و یا در تولید آبپاشی وری شرکت دارند و نیز کسبه بی چیز را افزود . -
 آنگاه است که کمیت شرف این طبقه بخوبی نمایان میشود .

طبقه کارگر ایران زیر شدیدترین سیستم استثمار قرار دارد . در شرایط محرومیت از حقوق و آماج توطئه تحمیل شدید توسط رژیم و اعمال دیکتاتوری و اختناق کامل قرار دارد و در همان حال بتولید اساسی ترین دستجات مادی که توسط بورژوازی بویژه بورژوازی بزرگ و امپریالیستهای حامی آنان روده میشود / بسختی روزگار میگردد .
 طبقه کارگر ایران فدائاترین و مبارزترین و شایسته قدرتمندترین نیروی انقلابی جامعه ایران در تمام طول تاریخ وجود خود میباشد . عدم برخورداری از مالکیت خصوصی بسر بردن مداوم در شرایط شاق کار جمعی / و قرار گرفتن در زیر فشار تمام تبعیضات و محرومیتهای اجتماعی / چنان خصائل انقلابی باین طبقه می بخشد که در هیچ قشر و طبقه ای -
 از اجتماع وجود ندارد . آینده تکامل و ترقی جامعه انسان که در خدمت طبقه کارگر قرار میگیرد شامل حال هیچ طبقه دیگری - تا این حد - نمیشود .

طبقه کارگر بعزت مصالح و منافع طبقاتی بیشتر که با تکامل بشر و تاریخ تمدن او - همراه و همپای است / سرسختترین طرفدار مکراسی و صلح فتنه طلبترین مبارز ضد امپریالیست است . لذا هیچ مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی نمیتواند مهر طبقه کارگر را برخورد نداشته باشد بلکه اساساً تمام مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی الزماً باید بر پایه نیروی این طبقه بنا شود و مسیر خود را منطبق با جهت گسودن راه رشد این طبقه و بقدرت رسیدن آن تنظیم کند .

دوران معاصر - بویژه در دوره رشد سرمایه داری در ایران - شاهد شرکت وسیع کارگران در مبارزات بوده است امتصابات عظیم کارگری - اجتماعات و تظاهرات - متعدد و گسترده و افزایش روز افزون حس پایداری در مقابل خشونت و سرکوب پلیسی رژیم مبارزات و امتصابات یکپارچه و همزمان و سازمان یافته در تمام شهرهای بزرگ - ایران همه شاهد سهم بزرگ کارگران و زحمتکشان ایران و رشد مبارزات آنان علیه

ارتجاع و امپریالیسم میباشد . علییرغم تمام دناکاریهای صادقانه طبقه کارگر / مبارزات - دمکراتیک و ضد امپریالیستی آن / زیر رهبری لوط و فرصت طلب - زبیبوده مکرراً با شکست روبرو شد . رهبری این حزب از عناصر آریستوکرات و مرفه بورژوازی باورهای -
 ذهنی و تخیلی نسبت به سوسیالیسم / انقلاب / شرایط مشخصه ایران و تاکتیک صحیح و پیروزمند مبارزه / خود را از همان آغاز بطور مکانیکی سیاست خارجی شوروی وابسته کردند و همراه آن " بچپ " و راست رفتند . مصالح غارتگری آن دولت را اصل قرار دادند و بمنافع پرولتاریای ایران بدون اعتناء ماندند و بهمین جهت در تمام لحظات -
 حساس تاریخی و فرصت های تعیین کننده / جنبش را بکمراهی کشاندند . در نتیجه طبقه کارگر را از پشتیبانان اجتماعی خود جدا کردند . خرده بورژوازی را بسوی بورژوازی متوسط رماندند . نیروهای انقلاب را تجزیه کردند و سرانجام نیز سرنویسندگی -
 نیروی اینگونه صخ شده / منفرد / فاقد سیاست انقلابی صحیح / بی دفاع و بدون تاکتیک و استراتژی انقلابی رزمنده / جز شکست چیزی نمیتوانست باشد . بدلیل همین تجربه تلخ / طبقه محروم و زحمتکش کارگر ایران برای مدتی طولانی از مبارزه سرخورد و ناامید شد . برانگیختن مجدد این طبقه / نیازمند فداکاری زیاد و احتمال قربانیهای فراوان و کوشش طاقت فرسای بی گیر است و بهمین جهت پیشرو سیاسی -
 در شرایط امروز ایران / مجبور است که بار ها مشکلات گذشته و حال را بدو یاد بکشد مشکلاتی که علاوه بر خشونت وحشیانه رژیم و اختناق ترور فاشیستی کونوسی میراث شوم استبداد و خیانت های رهبری های ناصالح گذشته را نیز با خود دارد .
 تحمل و رفع این مشکلات است که شایستگی مناسب پیشرو انقلابی را باو میبخشد .
 و طبقه کارگر را نسبت بان علاقتند و معتقد میکند و در عمل باو می پیوندد .

وجود همین شرایط حاضر است که اهمیت جنبش نوین انقلابی و مبارزات سیاسی -
 چریکی مسلح پیشرو آنها برجسته میکند . فداکاری عظیم / جانبازی و شهادت / -
 پایمردی و بی گیری در مبارزه در زیر شدیدترین و خشن ترین ضربات پلیس رژیم / و فداکاری صادقانه و بی چون و چرا به طبقه کارگر و آرمانهای عالی او / پیوند -
 بولادین این سازمانهای انقلابی را با توده های کارگر نشان میدهد .
 طبقه کارگر پس از دوران مشروطیت / بعد از بی نتیجه گاهی / در اوایل بار با پیشرو واقعی خود روبرو میشود و با شور و شوقی انقلابی پاره رزمندگان پیشگام واقعی خود را باز میشناسد . طبقه کارگری بیند و درک میکند که این بار

برخلاف همه گذشته های تلخ و دور / رزمندگان واقعی بای بیدان گذارند که بخاطر نجات همه رنجبران عظمی راسخ و اراده ای استوار دارند . این صفات بارز / ابتداء طبقه کارگر را برمیانگیزد و او را وادار میکند تا با خیزش به بشروان واقعی خود پیوندد و رسالت تاریخی خویش را انجام دهد .

روشنفکران و
نقش خطیر آنان

" روشنفکر " در مفهوم خاص خود به متفکری اطلاق میگردد که آگاهانه از منافع طبقه و قشر خود دفاع میکند و روشنفکر انقلابی / عنصریست که نیروی

معنوی خود را در خدمت رهایی طبقه کارگر بکار اندازد . در این مورد اخیر با استگاه ابقاتی این روشنفکران / تعیین کننده نوع تفکر آنان نیست . آزاد یخواهان بزرگ و مبارزین راستین راه رهایی طبقه کارگر در زمره این روشنفکران انقلابی هستند .

وجود چنین روشنفکران انقلابی نظیر مارکس - لنین - هوشی چین برای هدایت مبارزات هراچتملی لازم است . این روشنفکران راستین تفکر صحیح خود را از شناخت پراکتیکی شرکت مستقیم در مبارزات میگیرند و در این عمل افق پدید فلسفی و سیاسی خود را غنی میکنند . اینان با روشنفکران ذائب پرآوی بی عمل / ترسو و بی شهامت / خودخواه و بی گذشت کاملاً متاوت است روشنفکرهای انقلابی انسانهایی بلند نظر متفکرند آکار و واقع بین هستند که عداوت با حرکت پیشرونده تاریخ نقش موثر خود را در خدمت رهایی توده ها از قید بندگی و استگاری زحمتکشان و پیروزی طبقه کارگر به بهترین وجه ایفا مینمایند .

" روشنفکر " در مفهوم عام خود شامل کسانی میشود که در حرفه های اجتماعی مختلف / با فروش نیروی فکریشان در ضمن انجام خدماتی / نیاز خود را نیز تامین میکنند . موارد اجتماعی این افراد "قائدان" بر مبنای دفاع از منافع و مصالح قشری و ابقاتی یشان تعیین میشود . البته در مواردیکه تفکر صحیح انقلابی در بین اینان ترویج و تبلیغ شود بخشهای وسیعی از آنان معان است پراه دفاع از منافع خلق روی آورد ولی "طبیبان" / قشرهای محروم این روشنفکران - قشر ایینی خرد بپورژوازی - که خود مستقیماً زیر ضربات ستم و تبعیض و چپاول قرار دارد آحادی بیشتری در دیدیرفتن آگاهیها و افکار انقلابی داشته و زود تر در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیست ای - های آن بصره مبارزین خلق مییوندد این پیوند بین روشنفکران و زحمتکشان یکی از

نیازهای عمده تدارک انقلاب را تشکیل میدهد .

تجربه مبارزات طولانی روشنفکران انقلابی ایران در راه خلق و بویژه مبارزات قهرمانانه و موثر سازمانهای انقلابی (که بخیرند آکار و ونادار بمنافع خلق را شامل میشود) این نیاز تاریخی را از آرزو بمرحله عمل در میآورد و زمینه های حرکت واقعی طبقات انقلابی را فراهم میکند حرکتی که انقلاب آزاد بینشیر ایران را محقق خواهد نمود .

مسائل عماد جنبش و مبارزه
رعایای بخش

ننون امپریالیسم و تسلط بورژوازی آمرادور
بر جامعه ایران / دو مانع شول آسای عمده
را در راه آسب استقلال و حاکمیت ملی

خلق در ایران / تشکیل میدهد . از میان برداشتن این دو مانع بزرگ / مسئله عمده مرحله ای جنبش است . گرچه منافع بورژوازی وابسته و امپریالیستیک را دور کامل رعایت میشود ولی هیچکدام بطور مستقیم در ایران حکومت نمیکند . کارگران - آنان رژیم دیکتاتوری شاه است . این رژیم که نوکر امپریالیسم رهاقتا غنائیست . کمپرانوریسم است / بصورت قدرتی بازدارنده در مقابل خلق قرار گرفته است . در هم شکستن آن دو غولی که گفته شد / بلافاصله دو شرط میشود . از هم پاشیدن و درهم شکستن ماشین دولتی ارتجاع شاه . در تقابله بین سوسیال - عامل " کمپرادوریسم " - " امپریالیسم " و رژیم دیکتاتوری شاه / در مرحله نخستین

نقش عمده را رژیم فاشیستی شاه ایفاء میکند زیرا منافع دوستانه دیگر بورژوازی این رژیم حفظ میشود . بویژه اینکه رژیم دیکتاتوری شاه / دیکتاتوری فردی و مطلقاً مطلقاً مرتجعیتی مانند محمدرضا شاه است . او نه تنها بر تمامی خلق و اقلیت های مسلطی ستم میراند بلکه حتی عناصر مختلف کمپرادوریسم حاکم را نیز بویژه سوسیال - عامل خود میکشد . در واقع / دیکتاتوری شاه به گره گور جامعه ایران تبدیل شده است . سرنگون کردن این رژیم دیکتاتوری فردی / خواست همه طبقات و انشاز خلقی است . خلق در ضمن جریان این مبارزات است که میتواند خود را وسیله تجهیز کرده و سازمان دهد و هدفهای دیگر خود را گام بگام تعقیب نماید و به پیروزی برسد .

مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه / باید در شرایط کنونی محتوی سیاسی شعار استراتژیک مرحله مبارزه باشد و تمام مبارزات صنفی و سیاسی و اجتماعی اقشار و طبقات خلقی الزاما باید چنین گرایش و تمایلی را / در مبارزات خود - نشان دهند و تعمیق کنند . هر حرکت اجتماعی باید مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه را در خود داشته باشد و گرنه از خصائل دموکراتیک و مترقی عاری میگردد . در همین رابطه وظیفه روشنفکران نیز اینست که در مبارزات صنفی - سیاسی خود / مبارزه علیه رژیم فاشیستی فردی را منعکس کرده و محیط افشاگری را جهت دستیابی باین هدف گسترش دهند و جهت سیاسی تبلیغات و روشنگری خود را در میان خلق بر پایه توضیح چنین ضرورتی - یعنی ضرورت سرنگونی رژیم خائن شاه قرار دهند .

* مرضیه احمدی اسکویی *

" موج "

جویبار خرد و باریکی بودم
 در جنگلها و کوهها
 و درهها جاری بودم
 میدانستم آبهای ایستاده
 در درون خود میپزند
 میدانستم در آفوش امواج

دریاها

برای جویباران کوچک

هستی تازه ای میزایند

نه درازی راه

نه گودالهای تاریک

و نه هوس باز ماندن از جریان

صرا از راه باز نداشت

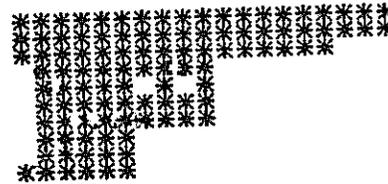
اینک پیوسته ام

با موج بی پایان

همستی مان تلاش

و نیستی مان

آسودن است



مضحکه "رستاخیز" سلطنتی

نیاز بدان احساس میشود که این قداره بندی جدید شاه در يك بحث کلی مورد بررسی قرار گیرد. ادعا بر آن نیست که بدلیل محدود بودن صفحات مجله همه جوانب امر امکان تحلیل یافته است ولی تا آنجا که در توانائی بوده روند کار بر آن قرار گرفته که مهمترین عوامل مورد تدقیق واقع گردد.

"مضحکه رستاخیز شاه" از يك جهت شبیه همان بازیها و جنجال همیشگی است با يك تفاوت / و آن عقب نشینی مستقیم از نظر مواضع سیاسی است که شاه بارها ادعای طرفداری از آنها را کرده است.

هیچیک از آن شمارهای توخالی و دهان پرکن و اهداف قلابی گزافه گویانه که ولو برای حفظ ظاهر در مورد احزاب دست ساز شاه در قیل اعلام میشد در این یکی وجود ندارد / چرا که موقعیت خطیر کنونی از نظر تهدید حیات و هستی طبقه حاکم / رژیم شاه را وادار میکند که از همه عروسکهای دست ساخته چشم پپوشد و همه مسایلی را در شخص خودش متمرکز سازد.

خودش بشود مبتکر حزب / خودش بشود تئوریسین حزب / و رهبر حزب و همه دنبال آن باتشديد ابعاد خفقان / ترور / و شکجه ایران را بیک سربازخانه بزرگ تبدیل سازد. سربازخانه ای که همه در آن عضو يك حزب واحد باشند.

شاه در حقیقت همان شمار فرانکورا که "يك رهبر" و "يك حزب" در "يك کشور" را تکرار میکند و البته که باید آموزگار جنایتکارانی نظیر شاه جلادانی چون فرانکو باشند / گو اینکه هر دو دست ساخته امپریالیست ها هستند و این امپریالیزم جهانی بسرکردگی امریکا است که پیش از هر زمان نیازمند تثبیت حکومتهای بومی دست نشانده است چرا که با شکست در هندو چین / ویتنام و کامبوج / اگر دولتهای سر سپرده خاورمیانه نتوانند بیک موقعیت تثبیت شده دست یابند آنوقت امریکا باید قبول کند که در خاورمیانه دارد ویتنام دوم گشوده میشود. حفظ و تثبیت حکومت های شاه و امثال او مدتهاست که تئوریسین های پنتاگون را بخود مشغول داشته است. فراموش نکنیم که علیرغم همه این مسایل امپریالیست ها بسرکردگی امریکا بر منابع نفت خاورمیانه نشسته اند و تا زمانیکه گولسه های خلقهای بیخاسته منطقه آنها را از این منطقه نرانند هرگونه انتظار تغییر استراتژی آنها در خاورمیانه انتظار بیهوده ایست.

علیرغم تلاشهای طبقه حاکمه ایران بوزروازی وابسته ایران، بیمار تر از آنست که به تواند بر تضادهای حاصل از زندگی انگلی خویشتن فایق آید، گو اینکه بحرانهای ادواری حاصل از شیوه تولید سرمایه داری، زمانی جزا مرتکب حتمی اخود طبقه که اینها بحرانها از وجود او منبعت میشوند ندارد ولی در شرایطی که بوزروازی / بوزروازی وابسته نباشد / شرایطی که در آن بحران ایجاد میشود و راه حلهائی که بوزروازی برای مقابله با آن در پیش میگیرد / با عملکرد آنچه که بوزروازی وابسته بدلیل خصلت وابستگی ناچار از انجام آنست متفاوت میباشد .

بوزروازی وابسته بیشتر از آنکه روی پاهای خودش حرکت کند، زوئی پاهای دیگری میخزد و بهتر آنست که گفته شود که خزانه میشود .

بحرانهای ادواری که مشخصه نظام سرمایه دار نیست هر الخظه چون آواری بر پیکر پوشالی بوزروازی وابسته فرو میریزد و هستی در ماندن اش را بقدر ماندگی دیگری تهید میکند . بارز ترین خصلتی که این بوزروازی از خود نشان داده است دلالتی است و این سببیه پنهانی برای مقابله با مشکلات عظیمی که تبعی زندگی انگلی طبقه اوست کافی نیست . درست باین دلیل این طبقه برای ادامه حیات غیر محسوس تاریخی خویش هر روز بیشتر از روز پیش وابسته اقتصاد امپریالیستها و در نهائی نهائی جزئی از آن میگردد .

گذشته از این بوزروازی وابسته از نظر حفظ موجودیت خود در در اخل ناچار از ارزش بیحد نیروهای ارتجاعی قهر است .

بجای آنکه سیستم پلیسی مانند هر حکومت بوزروازی فقط بخشی از سیستم حکومتی را تشکیل دهد / در سرمایه داری وابسته این سیستم پلیسی است که باز شد سریع و وسیع خویش بعظیم ترین بخش سیستم حکومتی تبدیل میشود و حتی تطورات آینده آنرا به زیر تاثیر خویش میگیرد . در این حالت میلیتاریزم صورت غالب نظام اجتماعی میشود و همه ترکیب های رونیائی و حقوقی جامعه فقط بر این شکل امکان بروز و ادامه حیات غیر تاریخی خود را مینماید . در تمام وجوه زندگی طبقهائی و عملکرد طبقه حاکم که نگاه کنیم . میلیتاریزم و پلیسی کردن تنها شیوه غالب حکومتی است و هر چه ادغام بوزروازی وابسته در اقتصاد مسلط امپریالیستی بیشتر شود . رشد میلیتاریزم ضرورت بیشتری پیدا میکند و همه شئون اجتماعی و حیاتی طبقه و تمام تظاهرات سیاسی و اجتماعی

شاه بعنوان بزرگترین سرمایه دار و بعنوان راس هرم قدرت سیاسی فقط در حالت سر سپردگی کامل با امپریالیستها امکان ادامه حیات دارد و از طریق بکار گرفتن تمام عوامل قهر ارتجاعی در خدمت منافع امپریالیستها تلاشی وحشیانه در ادامه حیات متعفن خود و ابثقه حاکم دارد .

علیرغم درآمد عظیم نفت / بدلیل ادغام سریع اقتصاد وابسته در اقتصاد مسلط امپریالیسم جهانی و نداشتن هیچگونه استقلال سیاسی و اقتصادی / بحران های ادواری اقتصادی که بصورت تهدید بورشکستگی اقتصادی آغاز بروز میکند از هم اکنون همه محافل اقتصادی امپریالیستی و کارشناسان تصمیم گیرنده امریکائی در مورد اقتصاد ایران رابشگفتگی و نگرانی واداشته است . جالب ترین است که این مسئله محدود با ایران نمیشود و تمام کشورهای صادر کننده نفت را که وضعیتی مشابه ایران دارند در بر میگیرد .

برابر گزارشات مقامات بانکی امریکا با شیوه ای که امریکا و دیگر کشورهای مصرف کننده

نفت در مورد بازگردانیدن پول حاصل از فروش نفت از کشورهای تولید کننده به

کشورهای خود در پیش گرفته اند / تهدید بعدم موازنه پرداختها و بحران اقتصادی (گدشته از آنکه خصلت خود سرمایه داری نیز هست) و تهدید بورشکستگی اقتصادی

تقریباً در همه کشورهای نفت خیز مشهود است . و در این میانه بیشترین فشار این غارت

اقتصادی امپریالیستها بر دوش طبقات زحمتکش و تهیدست این جوامع تحمیل میگردد .

بنارت دادن بیسابقه نفت ایران و ریختن تا آخرین قطره درآمد های نفتی به

بازارهای سرمایه داری جهانی و امپریالیستها چنان عوارض وحشتناک اقتصادی را

بر طبقات محروم جامعه ما تحمیل میکند که این مختصر شرح امکان بررسی آنرا نخواهد

داشت . نکته ای که قابل یاد آوریست اینکه بحران کنونی اقتصادی ایران که رژیم

شاه با اعمال قهر بیسابقه از یکسو و با جنجال تبلیغاتی و قیاحانه بعنوان " پیشرفت "

و " ترقی " سعی در پنهان نگاه داشتن آن دارد تمام عوارض وخیم اقتصادی / اقتصاد

امپریالیستها (سور و . . .) و اقتصاد زیر سلطه بوزروازی وابسته را یکجا بر دوش

مخرومترین و تهیدست ترین طبقات رنجبر جامعه ما میگذارد و بدینگونه هر روز رای

گریز از انفجار توکه های محروم و ستمکش خلق ایران و پایدار نگاه داشتن حکومت این

طبقه دلال وابسته اعمال قهر ارتجاعی و فشار سرسریزه و نیروهای امنیتی را محتوم تر میگرداند

و اختناق و از سوی دیگر با تجدید نظر یورکر دتیک در سازمانهای رومانیایی طبقه در حقیقت جامعه را بزرگ کند و با اصلاح به آرایش طبقاتی مطلوب دست یابد چرا که معتقد است از طریق اعمال قهر ارتجاعی میتوان توده را وادار به اطاعت و اجرای آن برنامه هائی کرد که نیاز به نیروی آنها / برای تبدیل کردن نیروی کار به سرمایه و انباشت آن و غارت آن در ادامه روند رشد سرمایه دار است . در مورد به کرسی نشاندن این تئوری قشر قدرتمند طبقه حاکمه / و در راس آن شاه تا آنجا پیش میروند که میخواهند از زندانیان سیاسی این دلیرترین فرزندان خلق ایران نیز تایید نامه بگیرند .

اینکه بیش از صد نفر از بهترین و ارزنده ترین زندانیان سیاسی از زندانهای مختلف ایران در اوین گردآوری میشوند و زیر شکنجه های بیسابقه ساواک قرار میگیرند برای آنستکه این تایید نامه امضاء بشود . اما شهادت نه نفر گروه جزئی که نخستین قربانیان این توطئه شوم هستند نشاندهنده آنستکه قهر مقدس خلق در برابر ضد خلق نه آن چیزستکه بتوان با عوامل ارتجاعی قهر بر آن فائق آمد . گروه جزئی با خون خویش این میثاق را محترم ساخته است که رزمندگان خلق چون خود خلق آنچنان شیفته و وفادار میثاقهای طبقاتی خویش است که سرنیزه های شاه هرگز قادر به درهم شکستن آن نیست .

تایید آن چه را که ضرابا آمد میتوان در نطق شاه در مراسم باصطلاح "سیاس" برای مضحکه رستاخیز دید " . . . اساس کار بر همان است که گفتیم و این آینده نگری است / پیشرفت ما و موفقیت ما اینستکه همیشه سعی کنیم چندین قدم در پیشاپیش وقایع برویم / کافی نیست که با زمانه پیش برویم برای اینکه هیچوقت غافلگیر نشویم همیشه سعی کنیم چندین قدم پیش از وقایع قرار داشته باشیم " . از کیهان ۲۰ اردیبهشت ۵۴ . این نشان میدهد برخلاف آنکه شاه سعی میکند از طریق پیوند دادن خود با عوالم غیبی / مردان نورانی / و سایه و الهامات الهی این مسئله را به معجزه ای از خودش تبدیل کند و برخلاف آنکه در همین نطق کدائی "سیاس" میگوید " . . . فکر و اندیشه این تشکیلات ملی در روز ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ به چه مناسبت بخاطر من خطوط کرد در حالیکه مملکت در اوج ترقی مشغول سیر و به نتیجه رسیدن بود " . این مسئله یعنی ایجاد حزب یک معجزه یا خواب نمائی نیست / بلکه دقیقاً طرح ریزی مستشاران امریکائی و اسرائیلی برای مقابله با بحرانی استکه چگونگی آن را در بالا توضیح دادیم .

مسئله دیگریکه باید یاد آور شد چگونگی شکل بندی طبقه حاکمه است اقشار مختلف طبقه مسلط از موقعیت فراهم آمده موجود که در حقیقت شرایط فراهم آمده ای زیر نفوذ مستقیم امپریالیست های سرکردگی امپریالیزم امریکاست بگونه های مختلف بهره گیری مینماید . ولی شیوه حفظ تسلط طبقاتی بر اساس موقعیتهای اقتصادی و سیاسی آن بر حسب موقعیت متفاوت است اینکه هر یک از این اقشار بگونه نظراتی را در اداره ماشین دولتی ارائه میکند در مقطع کنونی مهم نیست چرا که هرگاه منافع طبقاتی بنوعی در خطر قرار گیرد تمام طبقه حاکم جدا از تضاد های درونی حتی و احتمالی که در اینجا بدلیل روند استحاله ای / و نه روند قطعی شدن میتواند در پرتو های زمانی خود را بنمایاند / بگونه ای متحد در جهت حفظ منافع طبقاتی عمل میکند . در برابر خلق دشمن اصلی ضد خلق و طبقه حاکمه است این مسائل در درجه چندم اهمیت قرار میگیرد . آنچه مهم است اینکه در شرائط کنونی آن قشری از طبقه مسلط که همه عوامل ایجاد قدرت و بر پلگاه داشتن قدرت را در دست دارد در نحوه عمل کردن خود برای آرایش طبقاتی و حفظ منافع طبقه / و برآورد نظرات امپریالیستها شیوه میلیتاریستی را مطلوب میشناسد و این شیوه را حتی بدرون خود طبقه تعمیم میدهد . طبیعی است که این تعمیم شیوه میلیتاریستی در بدرون خود طبقه حاکمه بدون برخورد با مخالفت جدی انجام میابد مگررها و زیر لیبی ها مهم نیستند / چراکه منافع کل طبقه چنین شیوه ایرا طلب کرده است . در حالیکه تعمیم این شیوه یعنی تیدیسل ایران بیک سرپازخانه بزرگ که همه خلق ایران عضو حزب رستاخیز شاه بشوند امریستکه مقاومت جدی اقشار و طبقات تحت ستم را برمیآنگیزد و این مخالفتهای سریع و مقاومتهای وسیع را علی رغم ابعاد بیسابقه خفقان / ترور / و شکنجه امروز در ایران مینیمیم . چه تظاهرات مخالفیکه دقیقاً در رابطه با " مضحکه رستاخیز شاه " صورت گرفته است و چه دیگر اشکال مبارزاتی که با خواستههای متفاوت در برخورد با این مضحکه دقیقاً مواضع آشتی ناپذیر خود را با این دلقک بازی جدید اعلام کرده است . مسئله ایکه در اینجا مهم است اینکه وقتی بحران ادواری اقتصادی فرا میرسد اقشار گوناگون طبقه مسلط باید در یک مجموعه نا همگون از نظر قدرت تصمیم گیری به استقبالی حوادثی که حیات آنها را در خطر قرار داده است بروند . تصمیم گیرنده اصلی در شرائط این بحران قشر فوقانی قدرتمند طبقه است / و در راس آن شاه است که تمام عوامل ارتجاعی قهر / ارتش - پلیس - ژاندارمری - و بخصوص سازمان امنیت را / بسیج کرده است تا از یک سو با سرکوبی خلق از طریق شکنجه / ترور

قهر مقدس خلق بر برابر ضد خلق

این یکی از دلایل عده برپا کردن مضحکه " رستاخیز شاه " است. ضد خلق می خواهد از طریق بسیج خلقی که با قهر مقدس خویش همیشه او را به تنگی انزوا و انفراد گسانیده است وادار سازد که آرمانها و منافع طبقه حاکم را آرمان و منافع خود تلقی نماید و از طریق تلاش در راه آرمانهای طبقه حاکم بقهر مقدس خود در برابر ضد خلق پایان دهد .

زوند مناسبات سرمایه داری وابسته ایجاد میکند که این قهر خلق در برابر ضد خلق پایان یابد و از طریق قبول منافع طبقه حاکم در حقیقت برای طبقه حاکم ایجاد پایگاه اجتماعی نماید که طبقه حاکمه کفونی بدلیل رشد در وابستگی نه از طریق تکامل تاریخی شیوه تولید / همیشه فاقد آن بوده است .

شیوه های گوناگونی که تاکنون از سوی طبقه حاکمه برای انجام این منظور بکار گرفته شده هر یک میتواند بجای خود مورد تحلیل قرار گیرد / ولی در رابطه با مضحکه " رستاخیز شاه " باید یادآوری کرد که اینک رشد مناسبات سرمایه داری وابسته و ادغام در اقتصاد مسلط امپریالیستی چنان شرایط خطیری را ایجاد کرده که قهر مقدس خلق میتواند حیات و هستی ضد خلق را در تهدیدی جدی قرار دهد .

ضدیت عمیق طبقات رنجبر جامعه با طبقه حاکم و پیوسته فریفته نشدن نیروهای پیشرو قزاول خلق به هیچیک از تمهیدات و توطئه های رژیم که برای وارد کردن خلق در سیستم مناسبات سرمایه داری وابسته آنگونه که خود طبقه حاکم طالب آنست یک مسیر هر روز بیشتر از روز پیش بانزوا و انفراد طبقه حاکم میانجامد .

در حقیقت یکی از دلایل بحرانی که اکنون طبقه حاکم با آن دست یزیدیان است همین قهر مقدس و همه جانبه خلق و کینه داشتن نسبت به طبقه حاکم و استعمار کننده خلق است .

تجربه های عینی تاریخی نشان داده است که هیچیک از شیوه های متخذه از سوی طبقه حاکم برای شرکت دادن خلق در برنامه های ریخته شده از سوی سرمایه داری وابسته موثر نیست . خلق هرگز با ضد خلق آشتی نمیکند و این حکم تاریخی را ضد خلق بارها در جنبه های مختلف و در همه های نابرابر با پیشقزاولان مبارزه مسلحانه در ایران آشوده است .

هیچیک از آن تعلقات طبقاتی که میتواند سرمایه داری وابسته را متشنج کند جایی

در جدول ارزش خلق محروم و ستمدیده مانند دارد . رنجبران ایران اکنون در پرتو عینیت های تاریخی و در برابر آن تعلقات طبقاتی / شیوه عملی دقیق و حاکی از خصلت های طبقاتی خویش را تجربه میکند و غنای همین تجربیات است که در روند تکاملی خود با کاهی خبیثاتی زحمتکشان خلق ما میانجامد .

پرولتاریا و پیشقزاولانش در برابر همه توطئه ها و مضحکه های رژیم شیوه ای در خور اخلاق پرولتاریا دارد که حاصل از قانونمندی های آینده ساز این ناب ترین طبقه تاریخ است . پرولتاریا در هیچ لحظه آن کینه طبقاتی و آن قانونمندی آینده ساز را از یاد نخواهد برد .

هر چه قدر که شاه با سرسپردگی کامل همه خواسته های آزمندانه امپریالیست هارا انجام دهد و هر چه قدر ادغام اقتصادی سرعت بیشتری را در مسیر اقتصاد امپریالیستی پیدا کند در برابر قانونمندی مبارزات خلق ایران مرگی محتوم دارد .

اوج گیری مبارزات مسلحانه در ایران

همانطور که در ابتدای مطلب آمد قصد بر آنست که فقط مهمترین مسائلی را که در رابطه با مضحکه اخیر شاه جای یادآوری دارد به تحلیل کشید .

اگر ارتجاع و امپریالیست ها از نبودن یک نیروی رشد یابنده جانشین مطمئن بودند شاه اینگونه سراسیمه و دلشک وار به پیشگیری سیاسی و تجدید سازمان و آرایش دستگاه های اداره کننده سیاسی ندیدند و اصولا آرایش طبقاتی برای مبارزات آینده اینگونه ضروری نمیشد . چرا که در بحرانهای ادواری قبلی گرچه با چنین برنامه هائی روبرو بودیم ولی مرکز ابعاد آن این چنین وسیع در نظر گرفته نمیشد و از هیاهو و تبلیغات موسمی چند روزه تجا و زخمیکز .

ولی این بار رشد روز افزون مبارزات مسلحانه در ایران و در پرتو آن رشد نیروهای مبارزاتی اقشار و طبقات تحت ستم و رشد آگاسی طبقاتی و قهر ارتجاعی بیسابقه ای که رژیم در برخورد با این جمله بکار میبرد مستلزم است که باید بر آن تاکید گذاشت . مسئله نیروی جانشین یعنی نیروی قهر انقلابی خلق این بار بگونه ای جدی مطرح است و این همان چیز است که شاه را متشنج و امپریالیست هارا بر سرکردگی امر یکسا پریشان خاطر میسازد .

بویژه مسئله رشد سریع مبارزات مسلحانه در ایران و تعمیق یکسره استراتژی مبارزه از حالت مسالمت آمیز به استراتژی قهر آمیز / طبقه حاکم را از مواضع تعرضی بمواضع

دفاعی میراند و اینبار این نیروی پیشقراول خلق است که اتخاذ شیوه تعرضی میکنند و در حقیقت شیوه تعرضی است که سرانجام ارتجاع و امپریالیزم را علیرغم همه قدرت نظامی و سیاسی که دارد بمواضع دفاعی میراند .

مواضع دفاعی طبقه حاکم در وجه نظامی آن اعمال قهر بیسابقه / شکنجه های غیر انسانی / درگیری های نابرابر شهری و کوهستانی و یگانبرد همه وسایل قهر ارتجاعی (ارتش - سازمان جهنمی امنیت - شهرانی - و . . .) و در وجه سیاسی موضع دفاعی رژیم عبارت از يك كاسه کردن هرچه بپیر اقتدار طبقه مسلط است که باستوار بری از شرایط ایجاد شده کنونی هر روز بیشتر از روز پیش فریه میشوند و بالتبع بدلیل سودبری حاضر نیستند که موقعیت رژیم در خطر سقوط و یا تهدید اقتصادی و سیاسی قرارگیرد .

وقتی که همه دستورات شاه برای سازمان دادن در جهت خواستها و نظرات امپریالیزم جهانی از سوی سودبران کنونی بآنچه شاه انتظار دارد موفق نگردد و هیچیک از دکاکین سیاسی نظیر حزب ایران نوین و حزب مردم قادر بنامین نظرات او نیست / خود شاه وارد میدان میشود و همه من مبارز میطلبید .

وقتی که بورژوازی وابسته و در رأس آن شاه بخوبی میبیند که سازمانها و پروپاگاندای حقوقی کنونی نمیتواند حافظ منافع سرمایه داری وابسته و برآورد نظرات آزمندانسه امپریالیست ها باشد و هرگونه تلاش برای آرایش این سازمانها بدلیل پوسیدگی و تعفن وجودیشان او را در سرسپردگی کامل به امپریالیست ها آنچنان که خواست اوست یاری نمینماید / خود قداره از رومیبندد و از طریق ایجاد حزب واحد سعی بر آن مینماید که آنها را در جهت غارت بیشتر امپریالیست ها و حفظ موجودیت طبقه مسلط بسیج نماید .

این سازمان یافتن از نظر ادامه حیات طبقه حاکم آنچنان ضروری است که شاه همه ابعای دروغین گذشته خود را راجع بتهیه احزاب و آن قیافه های مسخره ای که بعنوان يك دموکرات و طرفداری از دموکراسی و آزادی پس بگیرد و با صراحتی و قاطعیت آمیز يك حزب زیر نظر خودش بسازد .

اوج گیری مبارزات مسلحانه مسئله نیروی جانشین را این بار بگونه ای جدی و ملموس برای طبقه حاکمه طرح کرده است و علت این مسئله را باید در رشد نیروهای پیشقراول مسلح و تکامل جنبش مسلحانه ایران و گرایشهای محقانه این سازمانها بسوی هر چه

بیشتر توده های شدن مبارزات آنان جستجو کرد .

نگته دیگری که در این رابطه تذکر آن ضروری است / سرشت مبارزاتی آنست . مبارزه مسلحانه نه سر سازش و مماشات با دشمن طبقاتی خویش دارد و نه پایگاه طبقاتی آن بگونه ایست که جای کوچکترین تردیدی باقی بگذارد که او مسلم ترین همآورد طبقه حاکمه و در رأس آن شاه جنایتکار است .

هم شاه و هم امپریالیست ها اکنون خوب میدانند که تشبیت مبارزه مسلحانه در ایران چه شکست عظیمی را در استراتژی آنان و در مورد کارآئی عوامل ارتجاعی قهر در مقابل آنها وارد کرده است .

هیچگاه رژیم شاه و طبقه حاکم این چنین مسئله را باور نمیداشتند و هیچگاه ایچنین درمانده ضعیف نبوده اند . این پیشقراول مبارزه مسلحانه است که بعنوان پیشگامان يك خلق اسیر اما آشتی ناپذیر با گلوله های خویش دشمن خلق را آماج گلوله های خویش میسازد و همین گلوله هاست که باید انعکاس را در بسیج و يك كاسه کردن همه نیروهای ارتجاعی در مقابل آن دید .

اینست آن جمع بندی مختصری که میتواند نشان دهنده تحلیلی مضحک — " رستاخیز شاه " باشد . در این شك نیست که نه این توطئه و نه هیچ توطئه دیگری نمیتواند پاسخ قطعی برای رهائی رژیم شاه و بورژوازی وابسته از همه مشکلاتی که در برابر آنان قرار دارد باشد .

رشد روز افزون جنبش مسلحانه ایران آن نقاهت درخشانی است که سرانجام راه گشای خلق ایران برای درهم فرو ریختن پایه های قدرت جبهه ای شاه و پی ریزی يك آینده تابناک برای خلق قهرمان ما خواهد بود .

* * اخبار و اکیونهای انجمن انگلستان * *

* بدنبال دریافت خبر کشتار ۹ تن انقلابی بوسیله رژیم شاه / (جزئی - سورگی - ظریفی - کلانتری - خوشدل - سرمدی - چوپان زاده - ذوالانوار - افشار) انجمن لندن مسئولیت خود را بدستی شناخته و یک سلسله برنامه دفاعی بی سابقه را برای افشاکری از رژیم وابسته به امپریالیسم شاه / و بازگرددن شرایط خفقان فاشیستی در ایران و منعکس کردن مبارزات خلق / طرح ریزی کرد . اهم این برنامه ها بقرار زیرند :

* برگزاری يك کنفرانس مطبوعاتی در مجلس عوام انگلیس با شرکت دو تن نمایندگان مجلس و نماینده انجمن لندن / که طی آن شرایط اسارت یار زندگی زحمتشان / ترور و خفقان پلیسی / شرایط غیر بشری زندانیان سیاسی و توضیحاتی درباره کشتار اخیر ۹ انقلابی ارزنده / در اختیار نمایندگان جراید گذاشته شد .

* تظاهرات در جلوی محل سفارت شاه در لندن بمدت سه روز (از ۲۳ تا ۲۵ آوریل) در این مدت تعداد ده هزار اعلامیه افشاگرانه درباره وضع ایران در کالج ها و مدارس در خیابان محل تظاهرات / پخش گردید .

* تظاهرات در میدان ترافالگار لندن در روزهای شنبه ۲۶ و یکشنبه ۲۷ آوریل که در آن تعداد ده هزار اعلامیه میان مردم توزیع شد .

* تظاهرات اعتراضی در جلوی سفارت شاه در لندن در روز دوشنبه ۲۸ آوریل .

* تماس با روزنامه های معتبر لندن / رادیو و تلویزیون / سازمانهای سیاسی مترقی و شخصیتهای لیبرال / بطور وسیع و همه جانبه برقرار شد که در نتیجه آن در بسیاری از روزنامه های لندن جریان فعالیتهای انجمن انگلستان و نیز مشروع خیر کشتار ۹ انقلابی و شرایط غیر انسانی زندانیهای ایران منعکس گردید .

* در روز سه شنبه ۲۹ آوریل / بیست و یک تن از اعضای کشف راسیون جهانی بمنظور اعتراض علیه کشتار اخیر زندانیان سیاسی در ایران و بخاطر انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراض و مخالفت مردم ایران / در افتخار عمومی جهان / سفارت شاه در لندن را / بنام خلق قهرمان ایران / باشغال خود در آوردند . طی مدت اشتغال عکسهای خاندان منحوس پهلوی از دیوارهای سفارت بزهر کشیده شد و چهره های شهدای راه انقلاب ایران / بر دیوارها نصب گردید .

* اشغال سفارت شاه در لندن با محاصره محل شدید و خند دگر تیک پلیس انگلستان رویرو گردید و ۲۱ نفر اعضای اشغال کننده دستگیر گردیدند . در این هنگام فعالیتهای دفاعی انجمن انگلستان وارد مرحله تازه ای گردید :

- از ظهر روز پنجشنبه اول ماه مه / در جلوی مقر سازمان ملل متحد در لندن اکیون اعتصاب غذای سه روزه با شرکت ۲۵ تن از رفقا برگزار گردید .

- صبح روز پنجشنبه اول ماه مه تظاهرات اعتراضی در جلوی محل دادگاه ۲۱ تن رفقا برگزار گردید .

- طی این مدت در بسیاری از تظاهرات و نشستهای سازمانهای سیاسی مختلف در لندن (از جمله تظاهرات عظیم اول ماه مه - جشن جهانی کارگران) از طرف نمایندگان و اعضای انجمن انگلستان فعالیتهای توضیحی در رابطه با شرایط فاشیستی حاکم بر ایران انجام گردید و اعلامیه هایی در سطح وسیع پخش شد .

- از روز دوشنبه سوم تا شنبه هشتم ماه مه تظاهرات اعتراضی بیادداشت غیرقانونی ۲۱ نفر / در جلوی محل نخست وزیری انگلستان / برگزار گردید و به پخش اعلامیه مبادرت شد .

- در نتیجه تماس دائم و کوشش بی گیر در جلب همکاری شخصیتها و سازمانهای سیاسی مترقی / تعدادی ویشتیانی این سازمانها و شخصیتها / در پیامها و تلگرامهای زیادی بررقای زندانی در زندان بریکستون لندن / ابلاغ گردید .

- در روز پنجشنبه ۸ ماه مه تظاهرات اعتراضی وسیع با شرکت تعداد زیادی از سازمانهای سیاسی خارجی در جلوی محل دومین دادگاه ۲۱ نفر برگزار گردید .

* در روز پنجشنبه ۸ ماه مه (بعد از ظهر) يك میتینگ عمومی با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر در محل اتحادیه دانشگاه لندن برگزار شد . از جمله سخنرانان این میتینگ (استان نیواتس) نماینده پارلمان انگلیس بود .

* کمیته مشترک وسیعی بنام " کمیته دفاع از بیست و یک دانشجوی ایرانی " با شرکت نمایندگان بیش از ۲۰ سازمان خارجی تشکیل شد که برنامه های دفاعی وسیعی را در مورد ۲۱ نفر و افشاکری از رژیم شاه تدارک دید .

* تظاهرات وسیعی با شرکت بیش از ۴۰۰ نفر در روز دوشنبه ۲۶ ماه مه انجام شد که از نظر تاثیر و جلب افکار عمومی / یکی از موفقترین دموستراسیون های سالهای اخیر بود .

* تجمع در جلوی سومین دادگاه ۲۱ تن رقا در روز پنجشنبه ۲۹ ماه مه .

* جلسه عمومی در روز جمعه ۲۳ ماه مه در " امپریال گالچ " لندن با شرکت سازمانهای سیاسی خارجی . در این جلسه ۶ سخنران از ۶ سازمان مختلف علیه " قانون توطئه " / جنایات رژیم شاه / شرایط خفقان و ترور در ایران / و نیز لزوم همبستگی بین المللی سخنرانیهای ایراد کردند .

* جلسات تیشماری در لندن و سایر شهرهای انگلیس بوسیله اتحادیه گالچها و دانشگاهها و همچنین توسط سندیکاها کارگری صلی (مانند گلفورد - آکسفورد - بیرمنگام - شفیلد - برادفورد - کاردیف - بریستول - ردینگ - برایتون) تشکیل گردید . از طرف انجمن لندن نمایندگان باین جلسات فرستاده شدند و سخنرانیهای افشا کننده ای در رابطه با اوضاع ایران ایراد گردید .

* در مدت یکماه / جمعا " صد هزار اعلامیه بزبانهای انگلیسی و فارسی تهیه و در سطح بسیار وسیعی پخش شد و نیز مقالاتی در مورد شرایط ایران در روزنامه های گاردین - سان دی تایمز - مورنینگ استار - تایمز - سوسیالیست ورکرز - و روزنامه های محلی شهرهای کترینگ و براتفورد درج گردید .

* تظاهرات اعتراضی در شهر کترینگ از جانب اتحادیه دانشجویان ایرانی در این شهر برگزار شد و طی آن کشتار اخیر زندانیان سیاسی و شرایط فاشیستی حاکم بر جامعه ما افشا و محکوم گردید .

* بدنبال مصاحبه ای که در تلویزیون بی . بی . سی با شاه ترتیب داده شده بود - انجمن لندن يك برنامه اعتراضی و توضیحی تلفنی تدارک دید طی آن از طرف افراد متعددی تلفنهای اعتراضی آمیز نسبت به نمایش این برنامه / زده شد . نتیجه آنکه فردای آنروز در رادیوهای بی . بی . سی خبر این اعتراضات اجبارا پخش گردید و در سطح روزنامه های معتبر لندن نیز مطالبی در این مورد انتشار یافت .

*** * رویداد های اخیر ایران * ***

در ماههای اخیر سازمانهای انقلابی درون ایران با وجود تشدید روز افزون ترور و اختناق پلیسی حاکم / موفق شدند با قدرت و سنجیدگی کامل / ضربات سختی بر رژیم وارد آورده و بدینوسیله هم نیرومندی خود را نشان دادند و هم ضعف رژیم را در مقابل عملیات سازمان یافته پیشروان انقلابی بیش از پیش نمایان کردند .

بسیاری از این عملیات بتفصیل در نشریات سازمانهای انقلابی -

داخلی منعکس شده است لذا ما در اینجا بذکر آخرین وقایع میپردازیم :

* در محرکاه روز سی و یک اردیبهشت دو مستشار نظامی آمریکایی در ایران بوسیله يك

واحد از چریکها سازمان مجاهدین خلق در تهران اعدام شدند .

خبر این اعدام انقلابی بطور وسیع در تمام مطبوعات جهان درج گردید و بوسیله

خبرگزاریها پخش شد و این مسئله را بار دیگر بیان افکار عمومی جهانیان بر سر

که برخلاف دروغهای بیشرمانه رژیم شاه ایران براه عمل امیرالیسم و مزدوران

بوهی آنها چندان " چیزه ثبات و آرامش نیست . در بیانیه تلفنی که " سازمان

مجاهدین خلق " پیرا از اجرای عمل در اختیار خبرگزاریها گذاشته شده

که " این عملیات در رابطه با نقش استعمار امپریالیسم آمریکا در ایران و به استقامت

خون نه نفر شهیدای انقلابی انجام گرفته است . این پایان کار نیست بلکه

آغاز عملیات وسیع انقلابی بوسیله امپریالیست های آمریکا است که حامیان عمده

رژیم خاک‌سن شاه هستند مییاشد . بازهم منتظر ضربات سهمگین ماباشید " .
 * در بزرگداشت سالروز قیام ۱۵۰۰ خرداد و نیز در رابطه با تشدید فشار و خفقان
 و مظلومیت در رابطه با نزدیک بودن موعد " انتخابات رستاخیزی ! " تظاهرات
 وسیعی در شهرهای قم - تبریز - مشهد - امفیهان و تهران و دانشگاه‌های
 سراسر کشور برگزار گردید که منجر به درگیری با پلیس شد و طبق اخبار
 رسیده تلفاتی نیز بیار آورده است . در همین رابطه عده بسیاری دستگیر
 شده اند که سه تن از آنان از عناصر آزاد یخواه قم بنامهای " احمد کروی " و
 " احمد محدث " و " حسین جهانبختی " تحت‌الکفجه وحشیانه ساواک قرار
 گرفتند .

* در سحرگاه روز شنبه ۱ تیرماه یک خانه تیمی " چریکهای فدائی خلق " در
 دولت آباد کرج تحت محاصره نیروهای پلیس و ژاندارمری و مامورین سازمان
 امنیت درآمد . در اثر مقاومت شجاعانه مبارزین ساکن خانه درگیری و
 تیراندازی شدید در میگیرد که چند ساعت بطول میانجامد این درگیری
 از اسلحه کمربند و نارنجک استفاده شد . چریکهای مبارز در بناه آتش شدید
 سلاحهای خود موفق میشوند حلقه محاصره را بشکنند و از خانه فرار کنند .
 تیراندازی در خارج از خانه نیز بین عده ای از محاصره کنندگان و مبارزین
 ادامه پیدا میکند که طبق ادعای دستگاه تبلیغاتی رژیم " منجر به کشته
 شدن سه نفر از انقلابیون مسلح بنامهای " زهت روحی آهنگران " -
 عطیسی بلوریان " - و " مارتیک قازاریان " میگردد . " بنابه گزارش
 خبرنگارانهای معتبر خارجی تلفات نیروهای انقلابی سه نفر و کشته
 شنگان پلیس و سازمان امنیت بمراتب بیش از این تعداد بوده است .

* نو چریک مبارز بنامهای حسین سلاخی و خسرو ترگل از اعضا
 یک گروه " مارکسیست لنینیستی " که سال پیش در مدافع در یک درگیری
 به اسارت مامورین ساواک افتاده بودند در ماه گذشته بوسیله دشمنان رژیم
 به شهادت انقلابی نائل شدند و بقیه اعضای گروه آنان نیز به زندانهای
 دراز مدت محکوم گشته اند . در ضمن قهر که در برابر روح شده بود
 هیچ زکری از زمان محاکمه و تاریخ اجرای حکم اعدام بمیان نیامده است
 و این ابهام / میتواند این حدس را که مبارزین شهید نامبرده در
 زیر شکنجه های قرون وسطایی رژیم بشهادت رسیده باشند تقویت و
 تایید میکند .

از عملیات این گروه تا آنجا که اطلاع در دست است میتوان از چند
 عمل مصادره بانک - انفجار ماشین رئیس شهربانی تهران - و چند
 انفجار در مراکز امنیتی شهرستانها میتوان نام برد . یاسان گراهی
 و راعشان پیروز باد .

* یک گروه از مبارزین انقلابی ایران در تاریخ ۲۶ خرداد ایستگاه
 تلویزیون آمریکا در تهران را منفجر کرده اند . آتش سوزی ناشی از این
 انفجار تا چند ساعت ادامه داشته است . البته مطابق معمول
 علت این انفجار در روزنامه های وابسته به رژیم " اتصال سیم برق " .
 ذکر شده است .

* سازمانهای انقلابی مسلح درون کشور در تاریخ ۱۲ تیرماه بوسیله
 د و نفر از عناصر خود یکی از مامورین عالیرتبه ایرانی سفارت آمریکا
 را در تهران بنام حسن حسنان اعدام انقلابی کردند .

طبق شواهد موجود مأمور مذکور تا با بعنوان مترجم سفیر آمریکا (بنابه ادعای روزنامه های تهران) فعالیت نمی کرده بلکه یکی از مأمورین مهم امنیتی رابط بین تشکیلات ساواک و سفارت آمریکا بوده است . سفیر شخصا از کشته شدن این مأمور قمال خود ابراز تاسف کرده است !

* بین یک واحد عملیاتی از " سازمان مجاهدین خلق ایران " و

تعدادی از مأمورین پلیس و ساواک در عفته اول تیرماه در اصفهان درگیری مسلحانه روی داده است که بنابر گزارش مطبوعات دولتی ایران منجر به شهادت یک مبارز بنام مهدی امیرشاه کرب و مجروح شدن انقلابی دیگر بنام محمود طریق الاسلام گردیده است . این انقلابیون مدتها به تهیه و توزیع متون مارکسیستی و مترقی در شهرهای مختلف ایران میپرداخته اند و از این راه نقش موثری در ایجاد آگاهی سیاسی و افشاگری فساد و جنایت های رژیم / در بین توده ها بعهده داشته اند .

* بنابه آخرین گزارش های رسیده از ایران بدنیال تشدید ترور و اختناق فاشیستی در ایران و خشم رژیم از مجز در مقابله با انقلابیون آزاد از اسارت سبعانه دست به شکنجه و قتل عام زندانیان مبارز سیاسی زده است . پس از شهادت انقلابیون " گروه جزئی " / تعداد - دیگری از مبارزین اسیر در شکنجه گاه های محمد رضاشاهی تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته اند . از جمله این انقلابیون میتوان از میهن - پرستان گروه باک نژاد (گروه فلسطین) نام برد . وظیفه مبرم تمام آزادیخواهان و عناصر مترقی است که مجدانه در راه شاهی

توطئه های ضد انسانی جدید رژیم بر علیه جان باک بازترین فرزندان - میهن مان و دفاع همه جانبه از آنان بکوشند .

گفتگویی با اشغال‌کنندگان سفارت شاه در لندن

با چند نفری از رفقای ما که در آکسیون اشغال سفارت شاه در لندن شرکت داشتند بمصاحبه مینشینیم .

ج - رفقا برای مجله سیاهگل این مصاحبه ترتیب داده شده است . پیش از شروع مصاحبه خو بست یادآوری کنیم که بدلیل محدود بودن صفحات مجله پاسخها تا آنجا که ممکنست مختصر و کوتاه باشد .
س - چند نفر بودید ؟

ج - بیست و یک نفر / بهمین دلیل حالا در سراسر انگلیس / در روزنامه ها و سایر وسایلی ارتباطی (تلویزیون و ...) به بیست و یک نفر معروف شده ایم . حتی کمیته دفاعی که با شرکت بیست و سه سازمان خارجی در دفاع از زندانیان سیاسی و خود بیست و یک نفر ایرانی اشغال کننده سفارت ایجاد شده است به کمیته برای بیست و یک نفر معروف است .

س - چرا تصمیم با اشغال سفارت شاه در لندن گرفتید ؟

ج - بین / اشغال سفارت يك عمل افشاگرانه و اعتراضی هر دوست .
س - کمی بیشتر توضیح بده .

ج - ابزار کار روشنگری و افشاگری رژیم منفور شاه در سازمان ما (کنفدراسیون) برای انجام وظایفی که جنبش بعهده آن میگذارد / روزنامه و نشریه است / جزوه خبری و مجله است / کتاب / اعلامیه / مینیک / تظاهرات / دیدن سازمانها و شخصیت های مترقی محلی / سعی در انعکاس اخبار مربوط به جنایات رژیم و مربوط بمبارزات خلق ایران در وسایلی ارتباط جمعی (روزنامه های محلی - تلویزیون - رادیو ...) است البته هنوز بسیاری طرق دیگر وجود دارد که میتواند نام پرده شود ولی برای طولانی نشدن کار بهمین مقدار بسنده کنیم . البته هر يك از این وسایلی اعتراضی و افشاگری و روشنگری دارای برد محدود بر اساس شرایطی که در آن شرایط مورد استفاده قرار میگیرد میباشد .

س - درست است ولی برگردیم بنوع بکاربرد این وسایلی .

ج - ما بسیاری از این وسایلی را در رابطه با سازمان و کارهایی که باید انجام شود بکار میگیریم - اعلامیه میدهیم - تظاهرات میگذاریم - مارش میرویم . بطور مداوم از هر يك از این وسایلی که بر حسب موقعیت بیشتر به برآورد هدف كلك میکند

و یا بعبارت روشنتر ما را در رسیدن به هدف يك آکسیون یاری مینماید استفاده می کنیم . باین ترتیب انتخاب وسیله بر اساس هدف مورد نظر انجام میگیرد .

س - خوب حالا مسئله اشغال سفارت در کجای این مسایلی قرار میگیرد ؟

ج - اشغال سفارت تنها يك عکس العمل دفاعی نیست بلکه يك عمل تعرضی با برد تبلیغاتی بسیار وسیع در سطح جهانی نیز هست . در این حالت اشغال کننده سفارت در موضع تعرضی و شاه در موضع دفاعی است . برای اینکه این حمله مستقیم پشاه و نمایندگان او در سطح جهان است . و این همان چیزیست که شاه از آن بسیار وحشت دارد . او از اینکه جنایات و دیکتاتورن او در سطح افکار عمومی جهانی انعکاس یابد بسیار وحشت دارد و این درست همان نقطه ایست که ما بر آن تکیه میکنیم یعنی انعکاس اخبار مربوط به جنایات رژیم و مبارزات دلاورانه خلق در سطح جهان . بخصوص این عمل یعنی اشغال سفارت دیوارهای سکوت و وسایلی جمعی در سطح جهانی را در هم میشکند و خبر خود را بر آنان تحمیل مینماید . در اینجا پولهای کلانی که رژیم شاه در هر سطح برای تبلیغات دروغین و جنجالهای توغالی و ردیلا نه خرج کرده بی اثر میشود و با انعکاس خبر مربوط با اشغال سفارت علت این عمل که تعرض به جنایات و خفتان و ترور و شکنجه در ایران است نیز منعکس میشود . این عمل چنان میتواند در مطبوعات و تلویزیونها و ... منعکس شود که همه پولهای کلان شاه را در مورد تبلیغات دروغین ...

س - منظور پترو لارهاست ؟

ج - منظور همه پولهای ایست که در این راه خرج میشود . همه پولهای کلان خرج شده در راه تبلیغات دروغین شاه را بی اثر کند .

س - بسیار خوب / حالا برگردیم بمسئله اشغال سفارت شاه در لندن / چه روزی سفارت اشغال شد ؟

ج - روز ۲۹ آوریل .

س - مطلب دیگری بخاطر آمد . پیش از اشغال سفارت شاه در لندن کداميك دیگر

از سفارتهای شاه اشغال شده بود .

ج - سفارتهای هلند - بلژیک و سوئد . در رابطه اعتراضی شهید شدن گسرخ و دانشیان شهدای قهرمان خلق - و در رابطه اعتراضی حمله ارتش ایران بظفار .
س - سفارت شاه در لندن در رابطه کدام اکسیون اعتراضی اشغال شد ؟

ج - در رابطه اعتراض جنایت رژیم در مورد گروه جزئی و یاران قهرمان او در حقیقت در رابطه با اوج جدید جنایات رژیم . اعتراض جنایتکارانه‌های بیسابقه شاه برای سرکوب کردن خلق قهرمان ما و برای نشان دادن ابعاد مبارزات و قهرمانیهای خلق .

میدانیم که از وقتی " مضحکه رستاخیز شاه " براه افتاده رژیم زندانیان سیاسی را زیر فشارهای وحشیانه‌ای برای تأیید کردن آن گذاشته است و در این رابطه شهید شدن زندانیان سیاسی زیر شکنجه نیز ابائی ندارد .

س - تا آنجا که ممکن بوده صفحات اجازه میداده راجع به علت اشغال سفارت بحث کردیم حالا برگردیم بخود اشغال سفارت .

ج - بهتر است قبلاً توضیح داده شود که آکسیون اشغال سفارت در لندن یکی از سلسله آکسیونهای وسیعی بود که در رابطه با جنایات رژیم در سطح جهانی واحد های کنفدراسیون جهانی تدارک دیده شده بود . برای اطلاع از همه این آکسیون ها روزنامه پیمان ارگان دفاعی کنفدراسیون توضیحات کافی داده است .

س - درست است حالا برگردیم باشغال سفارت در لندن . چه ساعتی بود ؟

ج - اندکی از ساعت یازده گذشته .

س - فکر نمیکنم نیازی بتوضیح راجع بتکلیف کاریاشد . پس از اشغال سفارت شاه چه کارهایی در داخل سفارت انجام شد ؟

ج - بلا فاصله همه سفارت باشغال کنفدراسیون درآمد . رفقا پس از ورود بهر اطاق با افرادی که در اطاق بودند اعلام میکردند که بنام خلق قهرمان ایران سفارت شاه در لندن در اشغال کنفدراسیون جهانی است .

س - چقدر طول کشید که سفارت باشغال کنفدراسیون درآمد ؟

ج - هر چقدر که فکر کنی از آن کمتر - واقعا بیشتر از چند دقیقه وقت لازم نبود .

س - بعد چه شد ؟

ج - بلا فاصله عکسهای منحوس شاه و خاندان ننگین پهلوی از دیوارها پائین آورده شد و بجای آن عکس شهدا - جزئی - سورکی - کلا نتری بدیوارها نصب گردید .

س - بعد ؟

ج - تلفن خانه اشغال شد و اولین تلفن به خود کنفدراسیون جهانی بود . بعد نوبت خبرگزاریهها و روزنامه ها بود .

س - هیچ مسئله جالب توجهی در آنجا وجود داشت که بتوانی توضیح هم بدی ؟

ج - چرا - در طبقه اول اطاق وابسته مطبوعات سفارت شاه نیز قرار دارد . وقتی

اطاق اشغال شد باود ستور داده شد که بچیزی دست نزنند . این موجود که در

حالت عادی بسیار زانباز و دروغگوی قهار است (باتوجه بسوابقی که از او در دست

است) در آن حالت چنان خودش را باخته بود که کلمه‌ای صحبت نمیکرد و حتی از انجام

کوچکترین حرکتی اباداشت . هرچه باو گفته شد اطاعت کرد . فقط بعد از چند دقیقه

بخودش جرات داد که بالکنت زبان بگوید " آقایان . . . سفارت خانه خود شماست

. . . این خانه خانه خودتان است . . . " و بلا فاصله باود ستور داده شد که حرف

نزنند و اونیز بلا فاصله اطاعت کرد .

در طبقه اول اطاق سفیر خیلی سریع اشغال شد . رفقا بلا فاصله یک پارچه بزرگ

را که روی آن بزبان انگلیسی علت اشغال سفارت نوشته شده بود از پنجره بیرون

آویختند . اعلامیه هائی بزبان انگلیسی پخش گردید . در داخل اطاق دیوارها با

شماره‌های کنفدراسیون جهانی مانند " مرگ بر شاه خائن " و " شکنجه زندانیان

سیاسی باید متوقف شود " و " مرگ بر رژیم منقر پهلوی " و " زنده باد مبارزات قهر-

مانانه خلق ایران " و " مبارزات مسلحانه تنها راه رهائی خلق ایران " پوشیده شد

بجای عکس شاه عکسهای شهدا (جزئی - سورکی - کلا نتری - سرمدی)

آویخته شد . تمام عکسهای خانواده ننگین پهلوی نیز از دیوارها و روی میز و زیر

شیشه میز جمع آوری گردید و بگوشه ای پرتاب گردید .

س - مگر در هر اطاق چند عکس وجود داشت ؟

ج - آخر این خود فروخته ها فکر میکنند که هر چه بیشتر عکس شاه داشته باشند

بیشتر بنان ونوا میرسند . در اطاق سفیر حداقل ۴ عکس شاه وجود داشت باضافه

تعداد زیادی عکسهای دیگر خانواده منحوس پهلوی .

همه اطاقها باز دید شد . به همه افراد سفارت ، اشغال سفارتخانه بنام خلق

ایران ابلاغ گردید . و پاره‌های از آنها باطاقهای دیگر منتقل شدند .

س - اندکی راجع باین " آدمها " صحبت کن .

ج - یک عده موجودات زیون - درمانده - همه خودشان را باخته بودند و چنان

ترسیده بودند که بیم سگنه کردن بعضی از آنها میرفت . این مطلقان چاپلوس که در

حالت عادی سینه پیش میدهند و باد بدماغ و کلو میاندازند همینکه از حمایت سرنیزه

رژیم محروم شدند بچنان موجودات خود باخته - ترسو - و ذلیل تبدیل میشوند

که واقعا دیدنی است .

در تمام مدت چنان مودبانه حرف میزدند و چنان از ترس سعی میکردند نهایت احترام را برحقا بگذارند که تانیینی باور کردن آن مشکل است.

در یکی از اطاقها یکی از رفقا آنها را محاکمه مینمود و همه اعضای سفارت شایبنا چنان تملق و چاپلوسی و در عین حال چنان متضرغانه بسوالات پاسخ میدادند که نمیتوان از ذکر آن خودداری کرد. بلبه قربان و چشم قربان از دهانشان نمیافتاد.

نکته جالبتر اینکه روی میز این اطاق تعداد زیادی قلم دیده میشد ولی هیچکدام از آنها کار نمیکرد. بقول یکی از رفقا "این مفت خورها کار نمیکند که احتیاج بقلم داشته باشند."

تمام کسوها و اوراق باز دیده شد. بسیاری گزارشات ساواکی بود که پیش از رسیدگی بآنها پلیس انگلیس سر رسید.

س- چه قدر طول کشید تا پلیس رسید؟

ج- تقریباً سفارت حدود بیست دقیقه در اشغال ما بود و تمام برنامه های پیش بینی شده انجام گردید. وقتی پلیس انگلیس بسفارت ریخت همه کارها تمام شده بود. س- پس از توقیف شما چه کردند؟

ج- همه ما را جلوی سفارتخانه جمع کردند. رفقا با روحیه های رزمنده سرود مسی خواندند و شعار میدادند. سرود سیاهگل - سرود چریکهای فدائی خلق - سرود بریا بریا موطن - در اینجا شعارها همان شعارهای کفدراسیون بود. حدود بیست دقیقه نیز تظاهرات در اینجا ادامه یافت و سپس با ماشین های پلیس بتوقیف گاه منتقل شدیم. در اینجا بازرسی بدنی شدیم و بعد بسلولهای همان توقیف گاه منتقل شدیم. و ما را که ۲۱ نفر بودیم در سه سلول کوچک یکفهره زندانی کردند.

ما بلا فاصله درخواست دیدن وکیل خودمان را کردیم. قرار بر این بود که اگر ما از هم جدا کنند و یا آزادمان نکنند و یا حتی اجازه ملاقات با وکیل را بمانندند دست باغصاب غذای نامحدود بزنیم.

در ساعت یازده همان شب موفق بدیدن وکیل شدیم و در اینجا بود که وکیل بما اطلاع داد که ما را بجرم توطئه "تصرف عدوانی" در زندان نگاه خواهند داشت. البته پلیس این تصمیم را بعد از ملاقات رئیس پلیس با سفیر ایران اتخاذ کرده بود.

س- ممکست راجع باین اتهام توضیح بیشتری بدهی؟

ج- توضیح اینکه این قانونی است در دست پلیس انگلیس که هر وقت هر کس را که بخواهند متهم کنند - بازداشت نمایند و بدادگاه ببرند. این قانون را در همه حالت و بسمه کس میتوان تصمیم داد. ولی بیشتر در مورد اتهامات سیاسی بکار برده میشود.

س- چه مجازاتی برای این جرم وجود دارد؟

ج- حد اکثر مجازات برای این اتهام در اختیار دادگاه وقاضی است و ممکست تا حبس ابد باشد.

س- چرا شما را بچنین اتهام سنگینی متهم کرده اند؟

ج- جواب روشن است. پترو لار - فشار بیحد حکومت جنایتکار شاه و تکلاشی

برای باز آوردن آبروی از دست رفته رژیم و...

س- بقیه دلایل نیز روشن است و برای طولانی نشدن مصاحبه از ذکر آن خودداری کنیم. دنباله مطلب از توقیف گاه را بگو.

ج- در روز در همان سلولهای کوچک توقیف بودیم و بعد بدادگاه برده شدیم. در این دادگاه ضمانت رد شد و باین ترتیب از آزاد شدن رفقا معانعت بعمل آمد. و سپس همه را بزندان بریکستون که یکی از زندانهای معروف انگلیس است منتقل کردند. مادر دادگاه بعنوان اعتدال به جنایات رژیم منفور شاه و شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی در ایران. اعلام اعتصاب غذای نامحدود کردیم.

در زندان ما را از هم جدا کردند - ۶ نفر در یک اطاق - در یک بند - ۷ نفر در یک بند و جدا از هم و بالاخره ۸ نفر دیگر را در یک بند دیگر زندانی کردند.

چون چائی داده شده از طرف زندان باشیر مخلوط بود تقاضای چای سیاه کردیم ولی باین تقاضا پاسخ داده نشد. رادیو روزنامه نداشتیم و فقط رفقای یک بند در ساعات محدودی میتوانستند یکدیگر را ببینند.

البته هر چه قدر که اعتصاب غذا طولانی تر شد و دلایل تظاهرات وسیع دفاعی در بیرون زندان رفتار آنها متفاوت میشد.

س- راجع به فعالیت های دفاعی خارج از زندان توضیح زیادی لازم نیست.

خیلی مختصر راجع بآنها توضیح بده.

ج- تظاهرات وسیع دفاعی - اعتصاب غذای رفقا در بیرون جلونمایندگی سازمان ملل متحد در لندن - تظاهرات مداوم هر روزه در نقاط پر رفت و آمد و دیدن شخصیت های مرفقی و سازمانهای مرفقی - اعتراضات چندین تن از نمایندگان پارلمان انگلیس

و... هنوز میتوان خیلی شمرد .

س- انعکاس این فعالیت ها در داخل زندان چگونه بود ؟
ج - سیل تلگرافات از اقصی نقاط دنیا - نه فقط واحدهای کفدراسیون که بسیاری سازمانهای مترقی و پیشرو و شخصیت های علمی و دانشگاهی بخصوص از دانشگاههای انگلیس .

س- روحیه رفقا چگونه بود ؟ اوقات زندان چگونه میگذشت ؟

ج - روحیه ها همگی رزمنده و پیر شور - تمام مدت در میان رفقای که امکان دیدن یکدیگر را داشتند بحث و بررسی و جمع بندی فعالیت های انجام شده در خان و اعلام نظر از طریق ملاقاتهای روزانه با رفقای دیگر زندانی و با رفقا خان زندان س- سرنوشت اعتصاب غذا چه بود ؟

ج - ۸ روز بعد از دادگاه اولی دادگاه بعدی تشکیل شد در این دادگاه با شرایط سنگین / ضمانت ۵۰۰ پوند برای هر نفر / گرفتن پاسپورتها / گزارش روزانه به پلیس . بعد از انجام تشریفات قانونی / در ساعت یک بعد از ظهر آزاد شدیم . در بیرون زندان تظاهرات پر شکوهی از سوی انجمن دانشجویان ایرانی انگلیس به رهبری کفدراسیون جهانی برپا بود . بعد از آزاد شدن و شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی در آن استن نیوانس نماینده پارلمان انگلیس و نمایندگان بسیاری سازمانهای مترقی در آن شرکت داشتند اعتصاب غذا شکسته شد .

س- آینده را چگونه میبینی ؟

ج - عمل اعتراض اشغال سفارت موج وسیعی از فعالیت های دفاعی و سیاسی را برانگیخته است که در این مختصر امکان توضیح آن نیست ولی باید اضافه کرد که تا کنون در سطح انگلیس بیسابقه بوده است .

سؤال گمنام : با رفقا موفق میشوید ؟

رفقای پارس و چند - پیروزی با خلق است پیروزی با ماست .